

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه خطبه جمعه

سیدنا خلیفۀ پنجم حضرت مسیح موعود و امام مهدی علیه السلام در 18 ژانویه ۲۰۱۹ در مسجد بیت الفتوح لندن خطبه جمعه بیان فرمود که با تراجم زبان های مختلف بر MTA زنده پخش شد.

امروز من احوال حضرت عامر بن فهیره را عنوان می کنم. در تاریخ شرح احوالش بسیار مفصل نقل شده است. وی توفیق پیدا کرد که در بعضی رویدادهای مهم تاریخ اسلام نیز نقشی ایفا کند.

حضرت عامر بن فهیره کنیه ابوعمرو داشت و از قبیلۀ ازد بود. وی غلام سیاه پوست برادر مادری حضرت عائشه رضی الله عنها، طفیل بن عبدالله بن سخبره بود. برادر مادری یعنی از طرف مادر، برادر بود و پدرش کسی دیگر بود. وی از گروه «السابقون» اسلام بود یعنی از کسانی بود که در اوایل، اسلام آورده بودند. وی قبل از رفتن حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به دار ارقم ایمان آورده بود و بز و گوسفندهای حضرت ابوبکر رضی الله عنه را می چرانید. پس از اسلام آوردن، کفار وی را بسیار رنج و آزار می دادند لذا حضرت ابوبکر وی را خریده و آزاد کرده بود. وی چون بزهای حضرت ابوبکر را می چرانید لذا به هنگام هجرت مدینه، زمانی که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و حضرت ابوبکر در غار ثور بودند، حضرت ابوبکر به وی دستور داد که بزها را نزدشان ببرد. بنابراین، وی تمام روز بزها را می چرانید و در هنگام شامگاه آنها را نزدیک غار ثور می برد و در آنجا حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و حضرت ابوبکر شیر بزها را می دوشیدند. زمانی که حضرت عبدالله بن ابی بکر نزد حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و حضرت ابوبکر می آمد، حضرت عامر پشت سرش بزها را می آورد تا نشانه های پایش پاک شود و کسی نتواند متوجه شود که پسر حضرت ابوبکر به کجا می رود و کفار هیچ بویی از این ماجرا نبرند. زمانی که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و حضرت ابوبکر از غار ثور بیرون آمده و به سوی مدینه روانه شدند، آنگاه حضرت عامر بن فهیره به همراهشان هجرت کرد. حضرت ابوبکر وی را پشت سر خود نشانده بود.

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بین حضرت عامر بن فهیره و حضرت حارث بن اوس بن معاذ پیوند برادری ایجاد کردند. حضرت عامر بن فهیره در جنگ بدر و احد شرکت کرد و در رویداد بئر معونه در سن چهل سالگی به شهادت رسید.

حضرت عائشه رضی الله عنها با تعریف رویداد هجرت، می فرماید: حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و حضرت ابوبکر به غار ثور رسیدند و سه شبانه روز در آنجا مخفی ماندند. حضرت عبدالله بن ابی بکر نزدشان می رفت و شب سپری می کرد. وی در تاریکی نزدشان می رفت و صبح زود در تاریکی به مکه بازمی گشت و با قریش صبح می کرد گویی شب را در مکه گذرانده باشد. هر تدبیر و نقشه ای که کفار می کشیدند، وی آن را خوب بررسی می کرد و در تاریکی به غار رفته و آنها را از آن، مطلع می کرد. غلام حضرت ابوبکر، عامر بن فهیره از گله بز، یکی دو بز شیرده را نزدیک آنجا می چراند و کمی پس از ساعت عشا، این بزها را نزدشان می آورد و اینان هر دو شیر تازه می خوردند و شب را سپری می کردند. عامر بن فهیره در اواخر شب به نزد گله خود رفته و شروع به صدا کردن بزها می کرد. سه شب وی همین کار را کرد.

حضرت مصلح موعود رضی الله عنه رویداد هجرت را چنین طور تعریف می کند: عاقبت، مکه از مسلمانان خالی شد، تنها چند غلام و حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و حضرت ابوبکر و حضرت علی باقی ماندند. زمانی که مردم مکه دیدند که صید از دستشان دارد فرار می کند، سرداران جمع شدند و پس از به شور نشستن این تصمیم گرفتند که کشتن محمد صلی الله علیه و سلم مناسب تر است. به تصرف خاص خداوند متعال، تاریخ قتل آن حضرت با تاریخ هجرتشان موافق آمد. زمانی که مردم مکه جلوی خانه آن حضرت جهت کشتنشان در حال جمع شدن بودند، آن حضرت در تاریکی شب به قصد هجرت از خانه خویش بیرون می رفتند. از یک طرف کفار داشتند جمع می شدند و از طرف دیگر خداوند متعال حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را راهنمایی فرمود و ایشان داشتند از خانه بیرون می رفتند. مردم مکه شاید شک کرده باشند که خبر این توطئه شان به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم رسیده بود اما زمانی که آن حضرت جلویشان رد شدند، آنان فکر کردند که ایشان کسی دیگر است و به جای اینکه به ایشان حمله کنند، از آن حضرت مخفی شدند که مبادا این فرد به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم خبر دهد که ما داریم جمع می شویم و اینطور ایشان از قصدا مطلع شوند. قبل از فرار رسیدن

شب، در همان روز به حضرت ابوبکر اطلاع هجرت داده شده بود لذا وی نیز به ایشان ملحق شد و هر دو باهم از مکه روانه شدند و از مکه به مسافت سه چهار مایل، کوه ثور واقع است.

اینان در غار آن کوه پناه گرفتند. زمانی که مردم مکه متوجه شدند که محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم از مکه رفته‌اند، لشکری جمع کردند و به تعقیبشان درآمدند و یک فرد ردیاب را نیز با خود بردند و وی در حال گرفتن رد آنها به کوه ثور رسید و در جایی که حضرت پیامبر و ابوبکر مخفی شده بودند، به مردم مکه با اطمینان گفت: یا محمد صلی الله علیه و سلم در این غار است یا به آسمان صعود کرده است. با این اعلامش، حضرت ابوبکر بسیار نگران شد و به صدای آهسته به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم گفت: دشمن به ما بسیار نزدیک شده است و در اندک زمانی وارد غار می‌شود. آنگاه آن حضرت فرمودند: لا تحزن ان الله معنا. یعنی مترس، خدا با ماست.

خداوند متعال روی چشم‌های اهل مکه پرده افکند و آنان مرد ردیاب را به تمسخر گرفتند و گفتند: آیا آنان در این جای باز می‌توانستند پناه ببرند، این اصلاً پناهگاه نیست و سپس در اینجا به کثرت عقرب و مار زندگی می‌کند لذا هیچ انسان عاقلی نمی‌تواند به آن پناه بگیرد؛ سپس کفار بدون اینکه به غار نگاهی بیندازند، در حال تمسخر به مرد ردیاب بازگشتند. طبق قرار قبلی، پس از انتظار دو شب در همان غار شترها رسانده شد و حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و همراهانشان روی آن شترهای سریع السیر سوار شدند و حرکت کردند. روی یک شتر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و مرد راهنما سوار بودند و روی شتر دیگر حضرت ابوبکر و خدمتکارش، عامر بن فهیره سوار شدند.

زمانی که اهل مکه در جستجوی آن حضرت ناکام و نامراد ماندند، اعلام نمودند که هر که محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم یا ابوبکر را زنده یا مرده بازگرداند، به وی جایزه ای بالغ بر صد شتر داده می‌شود و خبر این اعلام را به قبایل اطراف نیز دادند. سراقه بن مالک، رئیس بدوی به طمع این جایزه به تعقیب آن حضرت رفت و حضرت پیامبر اکرم را روی مسیر به سوی مدینه پیدا کرد و دو شتر و سواران آنها را دید و متوجه شد که محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم و یارانش هستند. وی اسب خود را پشت سرشان دواند اما در خلال راه پای اسبش لغزید و وی روی زمین افتاد. سراقه بعداً اسلام آورده بود

عمر بن فهیره پس از هجرت به مدینه بیمار گشت. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم برایش دعا کردند و وی کاملاً خوب شد. حضرت عمر بن فهیره در اثنای واقعه بئر معونه به شهادت رسیده بود. درباره اینکه چه کسی حضرت عمر بن فهیره را به شهادت رساند، اختلاف وجود دارد. در بعضی روایات آمده است که عمر بن طفیل او را شهید کرد و از روایت دیگر معلوم می‌شود که عبدالجبار بن سلمی وی را شهید کرده بود.

حضرت مصلح موعود با ذکر رویداد شهادت حضرت عمر بن فهیره می‌نویسد که ببینید، اسلام به زور شمشیر پیروز نشده بود بلکه به سبب تعالیم عالی‌اش پیروز گشته بود که به دل‌ها رسوخ پیدا می‌کرد و در اخلاق انسان تحول عالی ایجاد می‌نمود. ، نقل شده است که قاتلش که بعداً مسلمان شده بود، دلیل پذیرفتن اسلام خود این عنوان می‌کرد که وقتی من عمر بن فهیره را شهید کردم، روی زبانش بلافاصله این کلمات جاری شد: فزت والله یعنی به خدا قسم من به مراد خود رسیدم. پس این افراد بسیار سعادت‌مند بودند و علی‌الخصوص عمر بن فهیره که فرصت خدمت به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و حضرت ابوبکر را پیدا کرد و فرصت پیدا کرد در هنگام هجرت نیز به آنها خدمت کند در غار ثور تدارک غذا و غیره به عهده‌اش بود و غذای آن زمان تنها شیر بز بود. مسئولیت آوردن شیر بز به او سپرده شده بود و وی مرتب سه روز بزها را به آنجا می‌برد و این طور برایشان تدارک شیر می‌دید. سپس وی این فرصت را نیز پیدا کرد که به دستور حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم برای سراقه نوشته‌ای مبنی بر امنیت دادن نوشت. سپس خبر شهادتش به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به سبب دعایش از طرف خداوند متعال داده شد. بنابراین، اینان سرتاپا وفادار بودند و در هر موقع و فرصت وفاداری خود را نشان دادند. خداوند متعال همواره درجاتشان را رفیعت‌تر بگرداند.